



## پیام سازمان مجاهدین خلق ایران

### به کلیه نیروهای انقلابی میهن: دمکرات های انقلابی و انقلابیون کمونیست

به استقبال جنبش اوج گیرنده توده ها برویم!  
سرنگونی قهر آمیز سرمایه داری وابسته به امپریالیسم شاه خائن را تدارک ببینیم!  
رویزیونیست ها، رفرمیست ها، سازش کاران و تسلیم طلبان را افشاء و طرد کنیم!

هموطنان مبارز! دمکرات های انقلابی! انقلابیون کمونیست! بار دیگر جامعه و جنبش انقلابی میهن ما وارد در مرحله حساسی از تاریخ حیات خود می شود. رشد مناسبات سرمایه داری در جامعه که مخصوصاً با به جریان افتادن میلیاردها دلار درآمد ناشی از حراج نفت در چند ساله اخیر، شتاب فوق العاده ای گرفته است، از یک سو تضادها و تناقضات عمیق و ذاتی رژیم سرمایه داری وابسته به امپریالیسم شاه خائن را تشدید کرده و از سوی دیگر و همراه با حاد شدن و اوج گیری این تضادها، با مرزبندی قاطع تر بین طبقات و قشرهای مختلف جامعه و مخصوصاً با مرزبندی قاطع تر بین بورژوازی و طبقات زحمتکش خلق، به مبارزات و جنبش های توده های زحمتکش و بخصوص به مبارزات کارگران و توده های زحمتکش شهری و خرده بورژوازی انقلابی شهر، که اساساً بیان تضاد آشتی ناپذیر توده های زحمتکش و مبارز خلق ما با امپریالیسم و رژیم وابسته منفور و تبهکار شاه می باشد، اوج و توان تازه ای بخشیده است.

این اعتلاء نوین که از اولین علانمش در جنبش حق طلبانه و قهر آمیز توده های زحمتکش خارج از محدوده تهران، در تظاهرات پرشکوه و خشم آلود دانشجویان سراسر کشور، در تظاهرات خونین مردم مبارز قم و بالاخره در خروش خشم آلود مردم قهرمان تبریز، لرزه بر پیکر رژیم دست نشانده شاه انداخته است، می رود تا به یک توفان عظیم انقلابی و سراسری تبدیل گردد.

رژیم شاه در برخورد با بحران ها و تضادهای ذاتی سیستم و در اثر فشار و مبارزات توده های قهرمان ما و افشای ماهیت دد منشانه اش در جهان و در اثر تغییراتی که مبارزات خلق های کشورهای تحت سلطه امپریالیسم در جهت ارائه چهره لیبرال نمایانه ای برای اعمال سلطه اش تحمیل

نموده اند، می کوشد تا چهره کریه خویش را که در سال های گذشته به بارزترین شکلی عریان شده بود، در پوششی از لیبرال نمایی استتار نماید ولی جنبش اوج گیرنده خلق های ما در اولین گام های برآمد نوینش حد و مرز این لیبرال نمایی رژیم تبه کار شاه را فاش ساخت و با تشدید مبارزاتش و با دریدن نقاب لیبرال نمایی از چهره رژیم مزدور و فاشیست شاه، نشان داده است که خواست او نه لیبرالیسمی محدود - که چیزی جز لیبرالیسم برای اقشار دیگر طبقه حاکمه و اختناق و سرکوب و دیکتاتوری برای خلق نیست - بلکه دمکراتیسمی پیگیر است که تنها با سرنگونی قهر آمیز رژیم شاه و حاکمیت امپریالیسم و استقرار حاکمیت خلق میسر است.

تحولات درونی جامعه را همچنین از جهت دیگری نیز باید مورد توجه قرار داد، رشد مناسبات سرمایه داری به پیدایش قشر وسیعی از سرمایه داران متوسط ( بورژوازی لیبرال ) که سهمی در قدرت حاکمه ندارند منجر می گردید. این امر رژیم شاه را حتی از طرف قشرهای وسیعی از خود طبقه حاکمه یعنی از طرف بورژوازی لیبرال نیز - علاوه بر توده های خلق - مورد فشار قرار داده است. بدین ترتیب بقا و حیات رژیم شاه امروز نه تنها از طرف طبقات دمکرات جامعه، از طرف پرولتاریا، دهقانان فقیر و میانه حال و خرده بورژوازی انقلابی شهر، مورد تهدید انقلابی قرار گرفته، بلکه این رژیم حتی از طرف قشر وسیع بورژوازی لیبرال نیز مورد مخالفت هایی قرار گرفته است.

چنین وضعیتی در عین این که خود نشانه دیگری از ناگزیری انقلاب دمکراتیک در ایران و به سرآزیری سقوط و نابودی افتادن قدرت شاه و الیگارشسی حاکم را به همراه دارد، اما مسائل و خطراتی نیز در پیش پای انقلاب ایران و نیروهای انقلابی و کمونیستی جامعه قرار می دهد.

در مرکز این مسائل و خطرات، موضوع نفوذ ایدئولوژیک بورژوازی لیبرال و هژمونی سیاسی و سازمانی آن در انقلاب دمکراتیک ایران قرار دارد، خطر بزرگی که پیگیری و پیروزی واقعی انقلاب ایران را مورد تهدید قرار داده و هر آینه با شدید ترین قوا به مقابله سیاسی و ایدئولوژیک با آن برخاسته نشود، به جای حاکمیت خلق و نیروهای واقعا انقلابی و دمکرات جامعه به حاکمیت و دیکتاتوری کامل و تمام عیار بورژوازی منجر خواهد شد.

بدیهی است بورژوازی لیبرال به همه و هر گونه وسیله و توطئه و سازشی متوسل می شود تا از انقلاب جلوگیری کرده، مهار و رهبری آن را در دست گرفته و از سرنگونی کامل رژیم شاه و دار و دسته باند جنایت کار و دلالان بی شرم سرمایه امپریالیستی در ایران جلوگیری به عمل آورد. در این میان بخش هایی از نمایندگان این بورژوازی که در پوشش اعتقاد به مارکسیسم-لنینیسم به درون نهضت کمونیستی ایران رخنه کرده اند (رویزیونیست ها) از همه خطرناک تر و مبارزه با آنان از همه دشوار تر است. اساس تئوری ها و نظرات آنها عبارت است از:

۱- جدا کردن مبارزه علیه دیکتاتوری شاه از مبارزه علیه امپریالیسم و باند سیاه سرمایه داران وابسته و مزدور حاکم در ایران، یا به عبارت دیگر سرپوش گذاشتن بر دشمن اصلی توده ها ( امپریالیسم و رژیم سرمایه داری وابسته شاه) و مسکوت گذاردن این نکته مهم که رژیم شاه تنها دیکتاتوری شاه نبوده بلکه شامل باند سرمایه داران دلال و مرتجعین وابسته به امپریالیسم نیز می شود.

۲- مسکوت گذاردن یا رد راه انقلابی سرنگونی رژیم حاکم ایران و این نکته مهم که رژیم حاکم

در ایران به تمام معنی و واقعا سرنگون نمی شود مگر بوسیله قهر انقلابی توده ها، قیام و مبارزه مسلحانه آنان.

۳- مسکوت گذاردن عملی ضرورت هژمونی پرولتاریا در این انقلاب ( با طرح شعار جبهه واحد ضد دیکتاتوری به مثابه شعار به اصطلاح تاکتیکی يك دوره از مبارزه توده های خلق ما) و ناگزیر بودن پیوست انقلاب دمکراتیک ایران با انقلاب پرولتری و پرده افکندن بر روی این حقیقت که در عصر امپریالیسم و احتضار و گنبدگی سرمایه داری، انقلاب دمکراتیک ایران جزیی از انقلاب جهانی پرولتاریایی بوده و متحدین جهانی خود را نه در میان بورژوازی لیبرال بلکه در میان کشورهای واقعا سوسیالیستی و پرولتاریای آگاه و رزمنده کشورهای پیشرفته صنعتی و خلق های تحت ستم کشورهای تحت سلطه می بیند.

۴- بورژوازی لیبرال ایران که خود تا مغز استخوان، مستقیم و غیر مستقیم، وابسته به سرمایه امپریالیستی بوده و روز به روز بر حدت تضادهای آن با پرولتاریا و توده های زحمتکش جامعه افزوده می گردد، بطور ضمنی یا آشکار، بی شرمانه جزء نیروهای دمکرات جامعه قلمداد شده و از این نظر بر خیانت و سازشکاری این طبقه در امر انقلاب دمکراتیک پرده ساتر افکنده می شود. همچنین با مخدوش کردن مرز میان دمکراتیسم و لیبرالیسم، بورژوازی لیبرال جزء متحدین پرولتاریا در انقلاب دمکراتیک قلمداد شده و بدین ترتیب راه برای به سازش و تسلیم کشاندن این انقلاب توسط بورژوازی لیبرال صاف می شود.

۵- ...

به عنوان مثال شعارهایی از قبیل " جبهه واحد ضد دیکتاتوری"، " تبدیل دیکتاتوری شاه به دمکراسی شاه" و "جمهوری ملی"، شعار های بورژوا لیبرالی هستند که تمامی این تحریفات آشکار تسلیم طلبانه را در خود جمع دارند.

و اما آن کسانی که آزادی و استقلال اقتصادی و سیاسی ایران را همچنان در چارچوب شعارهایی چون: مشروطه طلبی، سلطنت طلبی و تبدیل دیکتاتوری شاه به دمکراسی شاه جستجو نموده، نابودی سلطه امپریالیسم را بدون نابودی سیستم سرمایه داری وابسته و نابودی سرمایه داری وابسته را بدون نابودی سلطه امپریالیسم ممکن شمرده، و حاکمیت سیاسی بورژوازی مستقل و ملی را در ایران امکان پذیر می دانند، علیرغم هر انگیزه "خیری" هم که داشته باشند، عوامفریبی می کنند و عوام فریبان دشمنان طبقه کارگر و توده های زحمتکش ما می باشند. نیات و خواست های واقعی آنان نه از روی حرف ها و گاه ظاهرا دلسوزی های برخی از آنان بلکه از مضمون شعارهای آنان با تحلیل مشخص از ماهیت سیستم سرمایه داری وابسته ایران، چگونگی تحولات درونی جامعه و تضادهای طبقاتی موجود و این که عمل و شعار اینان سرانجام در خدمت چه طبقه ای قرار می گیرد، ارزیابی می شود و محک می خورد. آزادی و استقلال سیاسی و اقتصادی ایران جز با نابودی رژیم سرمایه داری وابسته و نابودی سلطه و حاکمیت اقتصادی و سیاسی امپریالیسم و کسب قدرت سیاسی توسط پرولتاریا و توده های زحمتکش هرگز بدست نخواهد آمد. بر این اساس در سیستم هایی چون رژیم ایران که تا مغز استخوان وابسته است، دیگر دمکراتیسم و آزادی و استقلال معنایی جز آزادی و استقلال از سلطه امپریالیسم و باندهای دلال و مرتجع وابسته به آنان نخواهد داشت. حتی تصور حاکمیت سیاسی بورژوازی مستقل و

ملی در ایران بخصوص در این مرحله از وابستگی رو به انحلال سرمایه داری ایران در امپریالیسم ( اگر خوشبینانه فرض کنیم) یا حکایت از ساده لوحی مفرط کسانی می کند که تصور می نمایند می توان بدون نابودی سلطه امپریالیسم به آزادی و حاکمیت ملی و مستقل رسید و می توان بدون نابودی رژیم سرمایه داری وابسته و استقرار حاکمیت خلق، سلطه امپریالیسم را برچید و یا مشخصا بیان کننده خواست بورژوا لیبرالی جریان هایی است که با تلاش برای کسب هژمونی و رهبری خود بر جنبش دمکراتیک و کشیدن توده ها به دنبال خود، چشم انداز شریک و سهیم شدن در حکومت را در سر می پروراند، چشم اندازی که بار دیگر بورژوازی لیبرال ایران همچون گذشته، به توده ها و خواست های دمکراتیک آنان خیانت کرده و با سازش با رژیم و شریک و سهیم شدن در حکومت، از سرنگونی کامل رژیم شاه و دار و دسته باند جنایت کار دلان بی شرم سرمایه امپریالیستی در ایران جلوگیری به عمل آورد. از این نظر رژیم شاه را تنها دیکتاتوری فردی شاه دانستن، آزادی و استقلال سیاسی و اقتصادی ایران را تنها با از بین رفتن دیکتاتوری فردی شاه و بدون نابودی سلطه امپریالیسم و کل سیستم سرمایه داری وابسته ممکن دانستن، مبارزه با دشمن اصلی و ماهوی توده ها - امپریالیسم و رژیم شاه - را موکول و مشروط به یک دوره مبارزه با دیکتاتوری فردی شاه - حاکمیت مطلقه یکی از جناح های دلال - نمودن به بهانه این که گویا این مبارزه، یک دوره از مبارزه توده های خلق ما را تشکیل می دهد، تحریف و جعل بورژوا لیبرال منشا نه ای است که می خواهد جهت اصلی مبارزه توده ها را به سمت شعارها و خواست های رفرمیستی بورژوازی لیبرال منحرف نماید.

بنابر این هیچ دمکرات انقلابی و پیگیر در ایران دیگر نمی تواند سلطنت طلب، مشروطه طلب و قانون اساسی خواه باشد، هیچ دمکرات انقلابی و پیگیر نمی تواند تنها ضد دیکتاتوری فردی شاه بوده و خواستار نابودی کل سیستم سرمایه داری وابسته نباشد. این است هم اکنون مرز میان دمکراتیسم و لیبرالیسم، مرز میان انقلاب و ضد انقلاب، مرز میان خادمین و خائنین به توده ها.

خواست های انقلابی و دمکراتیک توده های زحمتکش و دمکرات های انقلابی و پیگیر: پرولتاریا، دهقانان و خرده بورژوازی انقلابی، در تبدیل دیکتاتوری شاه به دمکراسی شاه، تبدیل دیکتاتوری باند جنایت کار شاه به دیکتاتوری باند جنایت کاران و دلان بی شرم سرمایه امپریالیستی، تامین نشده و فقط با سرنگونی کل سیستم سرمایه داری وابسته، اعم از باند تبه کار شاه و دیگر باندهای دلال و بی شرم سرمایه امپریالیستی و کسب قدرت سیاسی توسط پرولتاریا و زحمتکشان و استقرار جمهوری انقلابی دمکراتیک خلق تأمین می شود.

حقانیت این امر را توده های خلق ما در هر گونه حرکت مبارزاتی و اعتراضی با موضع شدیداً ضد امپریالیستی و ضد رژیمی خویش، نشان می دهند.

کارگران، زحمتکشان، دانشجویان و توده های آگاه شهر و روستا، در مبارزات پر شکوه و گسترده و قیام های خشم آلود خود در تبریز، قم زنجان، شیراز، مشهد و ... با آماج حمله قرار دادن مؤسسات امپریالیستی و دلان منفور آنان و با رد قاطع نظام پوسیده و فوق ارتجاعی سلطنتی و ... مرز خود را با بورژوازی لیبرال و رفرمیست های تسلیم طلبی که آنان را به گدایی از امپریالیسم و رژیم شاه، به گدایی " حقوق بشر" از دشمن امپریالیستی و به گدایی " دمکراسی" از رژیم جنایت کار و فاشیست شاه دعوت می نماید، مشخص می کنند.

هم اکنون در چنین دوره ای از رشد و اوجگیری مجدد جنبش توده ها، برای پرولتاریا و زحمتکشان مسئله مهم و اساسی بر سر این نیست که تبدیل دیکتاتوری شاه به دموکراسی شاه، تبدیل دیکتاتوری شاه به دیکتاتوری کل بورژوازی وابسته، تا چه اندازه برای آنها می تواند مفید باشد. مسلماً پرولتاریا و توده های زحمتکش از هر گونه روزنه ناشی از بحران و تضاد و تناقضی در سیستم و از هر گونه عقب نشینی اجباری که مبارزات توده ها به دشمن تحمیل کند، می تواند و باید در جهت افشاء دشمنان توده ها و مبارزه برای تامین خواست هایش استفاده کند و در این، جای شکی هم نیست. مسئله اساسی بر سر این است که در این میان منافع اساسی و دراز مدت توده ها در چیست. مسئله بر سر این است که بورژوازی لیبرال و نمایندگان در صفوف جنبش کمونیستی - دار و دسته کمیته مرکزی حزب توده و گروه های رسماً و عملاً وابسته به آن - عوامفریبانه می کوشند مضمون و محتوای انقلابی جنبش دموکراتیک و خواست های دموکراتیک توده ها را در محدوده مطالبات بورژوازی لیبرال به بند بکشند، منافع و خواست بورژوازی را منافع و خواست توده ها جلوه دهند.

مسئله اساسی بر سر این است که تحولی که می رود و می تواند با تاکید مشخص بر شعارها و خواست های واقعی توده های ما، تبلیغ و ترویج، کار عظیم آگاه گرانه در میان آنان و بسیج و تشکل رهبری آنان حول خواست های انقلابی و دموکراتیکشان، به یک انقلاب پیروزمند دموکراتیک بینجامد، با سر پوش گذاشتن بر خواست آنان و بالعکس با تاکید بر شعارها و خواست بورژوازی لیبرال به عنوان خواست توده ها، به مشروطه سقط شده و حاکمیت تمام عیار دیکتاتوری بورژوازی وابسته بینجامد. تمام مسئله بر سر این است!

\* \* \*

از این نظر هم اکنون که بورژوازی لیبرال با پراکندن سموم ایدئولوژیک - سیاسی خود در میان توده ها و اقشار آگاه جامعه، به منحرف نمودن مبارزه توده های خلق ما پرداخته است، تبلیغ شعار سرنگونی قهر آمیز رژیم وابسته به امپریالیسم شاه خائن به اتکاء قیام و مبارزه مسلحانه توده ها، تبلیغ شعار جمهوری انقلابی دموکراتیک خلق و همچنین مبارزه علیه نفوذ ایدئولوژیک - سیاسی بورژوازی لیبرال و بخصوص مبارزه متحدانه و همه جانبه علیه ترهات رویزیونیستی - رفرمیستی و خیانت کارانه دار و دسته کمیته مرکزی حزب توده و گروه های رسماً و عملاً وابسته به آن در جنبش انقلابی و کمونیستی میهن ما، در صدر هدف های مبارزه ایدئولوژیک - سیاسی دمکرات های انقلابی و بخصوص انقلابیون کمونیست قرار می گیرد.

هموطنان مبارز! دمکرات های انقلابی! انقلابیون کمونیست!

در دو سال گذشته، تحولات امید بخشی در جنبش انقلابی و کمونیستی میهن ما روی داده است. علیرغم تلاش و کوشش همه جانبه رژیم جنایت کار شاه در سرکوبی و نابودی هسته ها و سازمان های انقلابی، ما شاهد تولد و رشد و نمو هسته ها، محافل و گروه های متعدد انقلابی و کمونیستی بوده ایم. پیدایش این هسته ها که خود نشانه اوج گیری مجدد جنبش انقلابی و کمونیستی و وجه دیگری از روند رو به اعتلاء جنبش و جامعه ماست، آینده بسیار امید بخشی را در چشم انداز راه رهایی بخش خلق های ما نوید می دهد. سازمان ما نیز به مثابه بخشی از جنبش کمونیستی ایران، در یک سال اخیر به تحول نوینی دست یافت.

در سال گذشته سازمان ما اصلی ترین نیروهایش را به بازسازی درونی و بخصوص به بررسی و بازبینی همه جانبه نظریات حاکم بر دوره گذشته جنبش انقلابی و کمونیستی میهنمان و بررسی تحولات آینده متمرکز نمود. در این رابطه بررسی و جمع‌بندی همه جانبه نظریات، تجارب و نتایج دوره های گذشته جنبش، کار تئوریک و آموزش مارکسیسم-لنینیسم بصورت فعال در دستور روز سازمان قرار گرفت. این بررسی ها نشان داد علیرغم جهت گیری ما بعد از سال ۱۳۵۲ بسمت مبارزات و جنبش های توده ای و در دستور قرار دادن ارتباط سیاسی-تشکیلاتی با طبقه و توده ها، از آنجا که هنوز اندیشه غیر توده ای مشی چریکی و مبارزه مسلحانه جدا از توده، بر ایدئولوژی، سیاست و مضمون کار تبلیغی و ترویجی ما حاکم بود، طبیعتاً اندیشه و عمل ما نمی توانست در مجموع در خدمت بسیج، تشکل و هدایت مبارزات طبقه کارگر و توده ها قرار گرفته و مبارزات آنها را ارتقاء دهد و ما بتدریج به نارسایی ها، انحرافات و انتقادات اصولی ای بر تئوری "تبلیغ مسلحانه" و مبارزه مسلحانه جدا از توده و مبانی ایدئولوژیکی آن بطور کلی و اثرات آن بر سیاست و روش های کار گذشته خودمان پی بردیم. این کوشش ها که به همت و پیگیری اکثریت اعضاء و رهبری سازمان، از اواخر سال ۱۳۵۵ شروع شد، بتدریج به جریان زنده و حیات بخشی تبدیل گشت که روح و اندیشه توده ای مکنون در آن، تجدید تربیت ایدئولوژیک و پاکسازی ایدئولوژی و سیاست سازمان را از شوائب ایدئولوژی های غیر پرولتری خرده بورژوایی و روشنفکری هدف قرار داده بود. خوشبختانه ما هم اکنون با غلبه بر موانعی که در این راه وجود داشت و با رد قاطع مشی چریکی و مبارزه مسلحانه جدا از توده به این هدف ها دست یافته ایم.

بررسی و جمع‌بندی تجارب گذشته، جریان یافتن فعال آموزش مارکسیسم-لنینیسم در درون سازمان و مبارزات ایدئولوژیک پر ثمری که در طی این دوره يك ساله در درون سازمان جریان داشت، به تحول نوینی در سازمان ما منجر شد که اندیشه و عمل و دیدگاه های ما را در زمینه های مختلف، دچار تغییرات اساسی و انقلابی خود نمود. سازمان ما با عبور از يك جریان تجدید آموزش و کوشش برای ارتقاء دانش مارکسیستی-لنینیستی خود و درک عمیق تر مارکسیسم-لنینیسم و با عبور از يك جریان مبارزه ایدئولوژیک علیه جریان های راست و "چپ"، علیه جریان التقاطی چپ و بورژوا لیبرالی راست، از پایگاهی استوارتر و محکم تر از پیش به وحدت نوین ایدئولوژیک-سیاسی-سازمانی دست یافته است و ما اینک خود را با تمام قوا برای استقبال از طوفان انقلابی توده ها آماده می نماییم.

این آمادگی در زمینه تئوریک عبارت از: حل و فصل مسائل تئوریک و سازمانی مرحله کنونی انقلاب دمکراتیک ایران، بررسی و تدوین انتقادات بر نقطه نظرات و روش های کار گذشته و از نظر عملی تخصیص کلیه نیروها و امکانات سازمانی به کار آگاه گرانه سیاسی در میان طبقه کارگر و تلاش در جهت بسیج، سازماندهی و تشکل مبارزات آنها از طریق شرکت در آن و پشتیبانی از مبارزات توده های زحمتکش خلق، می باشد.

ما در آینده نزدیکی نتایج جمع‌بندی های دوره های گذشته، تحلیل ها و انتقاداتی که به نظر و عمل گذشته خود بطور اخص و مشی چریکی بطور اعم داریم، چگونگی پروسه تحول نوین ایدئولوژیک-سیاسی سازمان و همچنین آخرین نظرات خود را در باره تحولات درونی جنبش و جامعه منتشر خواهیم ساخت و به همین لحاظ نیز شرح و بسط بیشتر مسائل فوق الذکر را به همان نشریات موکول می نماییم. و اما اکنون آنچه برای ما و دیگر انقلابیون جنبش کمونیستی و انقلابی میهنمان، حیاتی و مبرم است، آمادگی همه جانبه برای استقبال از جنبش اوج گیرنده توده هاست.

ما برآنیم که در شرایطی که بار دیگر جنبش و جامعه ما در يك روند رو به اعتلاء انقلابی بسرعت پیش می رود، تدارك همه جانبه تئوریک- سیاسی و سازمانی برای پیوند با جنبش طبقه و توده ها، کار پیگیر و فعال سیاسی در میان آنان، پاکسازی و تحکیم و وحدت صفوف کمونیست ها در ارتباط با طبقهء کارگر، در صدر وظایف ما و تمام کمونیست های انقلابی میهنمان قرار می گیرد فقط با چنین فعالیت هایی است که می توان به استقبال شرایط متحول جامعه و جنبش رفت و پاسخگوی اعتلاء جدید جنبش توده ای شد و بالاخره در بستر مبارزه فعال و متحدانه علیه دشمنان توده ها و در پیشاپیش مبارزه توده هاست که بورژوازی لیبرال و نمایندگانشان در صفوف جنبش کمونیستی را هم می توان پیروزمندانه افشا نمود.

بنا بر این ما در درجه اول از تمام نیروها، گروه ها، هسته ها، محافل و عناصر جنبش کمونیستی میهنمان مصرانه می خواهیم که مسئله وحدت صفوف جنبش کمونیستی را در ارتباط با طبقه کارگر و در جهت تشکیل حزب پرولتاریایی، بصورت جدی در صدر وظایف و کار خود قرار داده و به ضرورت نوین وحدت طلبی جنبش کمونیستی میهنمان پاسخ دهند.

ما به سهم خود آماده هستیم تمام نیرو و امکانات سازمانی مان را در این راه بکار گرفته و ضمن این که پیشنهادات و نظرات خودمان را در مورد چگونگی حصول وحدت مارکسیست- لنینیست ها مطرح خواهیم نمود، از هر برنامه و پلاتفرم و شعار سازمانی ای که واقعا بتواند بیان وحدت صفوف این مرحله جنبش کمونیستی میهن ما و هموار کننده راه برای تشکیل حزب کمونیست باشد، با تمام قوا استقبال می کنیم.

پیش بسوی ارتباط با جنبش توده ها!  
پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر!  
نابود باد رژیم سرمایه داری وابسته شاه خائن!  
برقرار باد رژیم جمهوری انقلابی دمکراتیک خلق!  
سازمان مجاهدین خلق ایران  
اسفند ۱۳۵۶

انتشار اینترنتی شهریور ۱۳۸۴ ، انتشارات اندیشه و پیکار